



هنرمند نقاش محله جاهد شهر با تیره و افسرده خواندن شهر مان، پیشنهاد کرد

به چهره شهر رنگ بپاشید

حسین برادران فر - هر گوشه کلان شهر مشهد که چشم بچرخانی، تا دلت بخواهد، می توانی ساختمان های هم شکل بتنی چند طبقه با رنگ های تیره و تاریک ببینی؛ رنگ هایی که جز افسردگی، حاصل دیگری برای شهروندان ندارد. هنرمند نقاش محله جاهد شهر که در حال حاضر یک گالری نقاشی با ۱۰۰ شاگرد دارد، استفاده از رنگ های شاد و گرم را راه حل درمان این مشکل شهر مان معرفی می کند. داوود بهرآبادی معتقد است که با استفاده از رنگ های شاد و گرم در نمای ساختمان ها، می توان تا حد زیادی از این افسردگی جلوگیری کرد. او برای اثبات ادعایش به تأثیر رنگ بر شاگردانش اشاره می کند و می گوید: «خیلی از شاگردان من با کشیدن نقاشی، افسردگی و غصه را فراموش کرده و شادی و نشاط را به زندگی خود بازگردانده اند.» و نقاش امروزی را محصور در بوم و گالری نمی داند و معتقد است: «یک هنرمند نقاش باید از هنر خود برای شاد زیستن همشهریان استفاده کند.»

در آموزش نقاشی، استادی نداشتیم

داوود بهرآبادی سال ۱۳۵۷ در سبزوار به دنیا می آید. او از همان دوران کودکی علاقه مند به نقاشی بوده است و برای اجرایی کردن علاقه خود وارد وادی هنر می شود. بهرآبادی تشویق های پدر و مادرش را دلیل موفقیت امروزش اعلام می کند و ادامه می دهد: «تنها خرید مداد رنگی و دفترچه نقاشی توسط پدر و مادر و تعریف های آنان از نقاشی هایم، برایم کافی بود تا استعدادم در این زمینه شکوفا شود. در دوران مدرسه همیشه بهترین نمره نقاشی مال من بود. بدون اینکه پیش استاد نقاشی بروم، به تمریناتم ادامه دادم و در سال ۱۳۷۴ توانستم اولین تابلوی رنگ روغن را بکشم. وقتی این تابلوی نقاشی را به یکی از گالری های هنری بردم، مسئول گالری بعد از کلی تعریف، تابلویم را خرید. او معتقد بود که من در کشیدن نقاشی، استعدادی ذاتی دارم.»

اولین گالری نقاشی در مجتمع زیست خاور

بهرآبادی بعد از بازگشت از سربازی، نقاشی را به عنوان شغل پیش می گیرد و اولین گالری خود را در مجتمع زیست خاور مشهد افتتاح می کند. او می گوید: «با افتتاح گالری نقاشی با همکاری استاد علیرضا اشرف، توانستم ارتباط خوبی با پیش کسوتان و بزرگان نقاشی مشهد برقرار کنم و با سبک های مختلف نقاشی مانند رئالیسم، سورئالیسم و طبیعت گرایی آشنا شوم.»

او با وجود اینکه به تازگی وارد دنیای نقاشی شده است، می تواند مشتریانی از کشورهای کویت، اروپا و کانادا بیابد. انتخاب نقاشی بهرآبادی به عنوان اثر برتر در نمایشگاه های نقاشی موجب می شود که او در پی افزایش توانمندی و آشنایی با سیر و سلوک هنر، راهی تهران شود.

تربیت ۸۰۰ هنر جو

بهرآبادی بعد از دو سال حضور در تهران و کسب مقام استادی در رشته نقاشی، به مشهد بازگشته و اولین هنرکده نقاشی را در

محله جاهد شهر افتتاح می کند.

او می گوید: «در سال ۱۳۸۵ اولین هنرکده آموزش نقاشی را در مشهد افتتاح کردم و از همان سال تا امروز به آموزش علاقه مندان به نقاشی پرداخته ام. مدتی نیز به عنوان نقاش در کلاس های آموزش نقاشی اداره فرهنگ و ارشاد حضور یافتیم. در این مدت، ۸۰۰ هنر جو را تربیت کردم که ۱۵ نفر از این افراد، رتبه اول نقاشی در مدارس و دانشگاه ها و ۲ نفر نیز رتبه برتر مسابقات استانی را به دست آورده اند. در حال حاضر نیز آموزش به ۱۰۰ نفر از هنرآموزان را برعهده دارم.»

نگاه خانواده ها به نقاشی، تغییر کرده است

افزایش تعداد شرکت کنندگان در کلاس های نقاشی، موضوعی است که بهرآبادی با اشاره به آن می گوید: «در گذشته خانواده ها اهمیتی به نقاشی نمی دادند و فرزندانشان را ترجیح به دکتر و مهندس شدن می کردند اما امروز این وضعیت تا حدودی تغییر کرده است و دانش آموزان با علاقه مندی در کلاس های آموزش نقاشی شرکت می کنند.»

بهرآبادی، معتقد است که آموزش در رشته هنر برای بچه های علاقه مند، فرصت خوبی است و خانواده ها نباید فرزندانشان را به خواندن رشته تحصیلی ای که دوست ندارند، وادار کنند. او می گوید: «اگر فرزندی علاقه مند به هنر است، والدین باید او را در همان جهت هدایت کنند و مطمئن باشند که آینده بهتر و زندگی بهتری خواهد داشت، حتی اگر فرزندمان نخواهد هنرمند شود، با فراگیری نقاشی، خلاقیت و استعداد بیشتری در تحصیل و دانشگاه خواهد داشت.»

نصب المان های اجتماعی و شهروندی

بهرآبادی با تأکید بر تأثیرگذاری زبان هنر، درباره انتقال مشکلات اجتماعی و فرهنگی در قالب هنر و نقاشی می گوید: «هنر، دمیدن روح تعهد در کالبد جامعه است و هنرمند چیزی را می بیند که دیگران نمی بینند؛ به همین دلیل می توان از هنر و هنرمند برای ساخت جامعه بهتر استفاده کرد. از چند سال قبل که شهرداری نصب المان های نوروزی را شروع کرد، حس نوستالژی خوبی را برای شهروندان به وجود آورد، اما این المان ها برای نسل امروز دیگر آن تأثیر نوستالژیک را ندارد و بچه های امروز نمی توانند با آن ارتباط برقرار کنند، بنابراین می توان با تلفیق المان های سنتی و جدید، مخاطبان بیشتری را جذب کرد. همچنین با نصب المان هایی با مضمون مشکلات اجتماعی، فرهنگی و شهروندی (طلاق، متکدیان شهر و حقوق همسایه ها، کتاب خوانی و...) در سطح شهر می توان از تأثیر تربیتی و آموزشی هنر در بین شهروندان نیز بهره مند شد.»



اگر فرزندی علاقه مند به هنر است، والدین باید او را در همان جهت هدایت کنند و مطمئن باشند که آینده بهتر و زندگی بهتری خواهد داشت